

رستم ایران کیه؟!

تختی پسری که اسطوره شد

◀ مهدی زارعی

غلامرضا تختی محبوب‌ترین شخصیتی بود که از ابتدای شکل‌گیری ورزش در ایران، ظهور کرده بود. کشتی‌گیری که تنها ۳۷ سال زندگی کرد. برنده مدال طلای المپیک ۱۹۵۶ و نقره بازی‌های المپیک ۱۹۵۲ و ۱۹۶۰ و قهرمان جهان در مسابقات جهانی ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱ چنان مورد توجه مردم و رسانه‌ها قرار داشت که با شکست او در فینال المپیک رم، نوشته شد: «تختی باخت، ملت ایران عزادار شد!»



از نجاری تا کارمندی راه‌آهن

رجب، پدر غلامرضا، یخ‌فروش و رشک‌سنده‌ای در محله خانی‌آبادنو تهران بود و اوضاع مالی این خانواده مناسب نبود. با این حال، غلامرضا به تشویق برادرش در باشگاه کشتی پولاد ثبت‌نام کرد. با این حال فقر اجازه نداد که تختی کشتی را دنبال کند و مجبور شد برای نجاری به مسجدسلیمان رفته و نزدیک دو سال در آنجا نجاری کند. پس از آنکه به تهران بازگشت، کارمند ساده راه‌آهن شد و تمرینات خود را در باشگاه پولاد از سر گرفت.

آغاز کار

تختی روز پنجم شهریور سال ۱۳۰۹ متولد شد. تنها ۲۴ سال از انقلاب مشروطه می‌گذشت و وقوع این انقلاب در همه چیز ملت ایران تأثیر گذاشته بود؛ در سیاست، ادبیات، هنر و... «وطن‌پرستی» اولین ویژگی مشروطه بود و این‌گونه بود که وقتی یک نسل گذشت و فرزندان مشروطه اوج گرفتند، وطن‌پرستی در جای‌جای سرزمین ما نمود پیدا کرد. ورزش نوین هم به محض ورود به ایران مورد توجه کسانی قرار گرفت که عاشق میهن و عاشق ورزش بودند.

پیروزی اراده

صحبت‌های او در دوران ابتدای کشتی‌اش، بسیار باارزش‌تر از مدال‌هایی بود که بعدها گرفت: «... وزنم هفتاد کیلو شده بود. اما این هم دلیل نمی‌شد که بتوانم حریفانم را شکست بدهم. آن‌قدر پشتم به زمین خورده بود که پشتم بوی تشک گرفته بود! بعضی وقت‌ها می‌شنیدم که به طعنه درباره‌ام می‌گفتند: «اینو ببین که باز هم لخت می‌شه و تمرین می‌کنه!»

«پیروزی اراده» عبارتی در زندگی تختی بود که برای بسیاری از قهرمانان مفهومی ندارد. با همین اراده بود که او از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۵ میلادی عضو تیم ملی کشتی ایران بود.

قهرمانی که با

مدال طلا، خود را گم نکرد

در ۱۹۵۱ به عضویت تیم ملی درآمد. چهار سالی بود که «صائیم بیک اریکان» ترکیه‌ای مربی تیم ملی کشتی آزاد ایران شده بود. در سال ۱۹۵۵ و در فستیوال ورشو (لهستان) به «بوریس کولایف» روس باخت و نقره گرفت. به این ترتیب تختی برای کسب طلا تا ۱۹۵۶ منتظر ماند. آرزوی این بود که در سکوی اول مجبور شود که بیش از سایرین «خم شود» تا مدال را به گردنش بیاویزند. او می‌دانست که مهم‌ترین رقیبش در المپیک همین کولایف خواهد بود. او در المپیک ۳ حریف را ضربه‌فنی کرد و رقیب‌های روس و آمریکا را با امتیاز برد و قهرمان المپیک شد. اما وقتی قهرمان شد گفت: «قهرمان شدم اما قلم‌بیشتر نشده‌ام.»

به دنبال عکس رقیب

تختی تنها یک‌بار در مسابقات بین‌المللی ضربه‌فنی شد و آن در سال ۱۹۵۵ در برابر «وایکینگ پالم» سوئدی بود. شاید هر کس دیگری بود، از این رقیب به نیکی یاد نمی‌کرد. اما تختی گفت: «من که تا قبل از این مسابقه از نام حریف هم می‌ترسیدم، حالا به قدری به او علاقه پیدا کرده بودم که حتی به دنبال عکس‌هایش بودم تا آن را به دیوار اتاقم بچسبانم!» در آن مسابقات تختی مقام پنجم جهان را به دست آورد.



مردی که دنبال بهانه گرفتن نبود

تختی پس از المپیک، قهرمان بازی‌های آسیایی ۱۹۵۸ توکیو شد و چهل روز بعد از این افتخار، مقام دوم مسابقات جهانی صوفیه (بلغارستان) را به دست آورد. یک سال بعد در مسابقات جهانی تهران، ۵ کشتی‌گیر را ضربه‌فنی کرد و با امتیاز کولایف روس را شکست داد و مدال طلای جهان را نیز از آن خود کرد. او در فینال المپیک ۱۹۶۰ این شانس را پیدا کرد که از عنوان خود دفاع کند. این تنها دفعه‌ای بود که یک کشتی‌گیر ایرانی فرصت دفاع از عنوان خود را پیدا می‌کرد. همه چیز به نفع تختی بود. «عصمت آتلی» قبل‌ها حریف تختی نشده بود. از طرف دیگر به دلیل جدول مسابقات، تختی با مساوی هم قهرمان می‌شد. اما مربی ترک‌ها حرفی به یادماندنی به آتلی زد: «تختی خدا نیست که شکست‌ناپذیر باشد، تو تلاش خود را بکن. اگر هم باختی، باختن که ننگ و عار نیست» آتلی پاسخ همین رقابت شرافتمندانه را گرفت و سرانجام تختی را خاک کرد. مدال طلا از دست تختی خارج شد اما... تختی هیچ کسی را مقصر ندانست. تنها گفت: «مدال طلا در دستم بود، آن را انداختم و آتلی آن را برداشت.»

عواقب ۲۰۰ گرم وزن بیشتر

یک سال بعد از المپیک، تختی در مسابقات جهانی یوکوهاما (ژاپن) قهرمان جهان شد و همراه با تیم ایران، قهرمانی جهان را جشن گرفت. در سال ۱۹۶۲ در مسابقات جهانی تولیدو، او در وزن ۹۷ کیلوگرم کشتی گرفت و این بار عصمت آتلی ترک را شکست داد. تختی سه برد دیگر هم به دست آورد و سرانجام روبه‌روی جوانی روس به نام «الکساندر مدوید» ایستاد. مسابقه دو کشتی‌گیر مساوی به پایان رسید. در این شرایط کشتی‌گیری برنده اعلام می‌شد که وزن کمتری داشت. دو کشتی‌گیر را وزن کردند و مدوید به خاطر ۲۰۰ گرم وزن کمتر، برنده مدال طلا شد و تختی نایب قهرمان.

پرچمی که تختی در دست نگرفت

المپیک ۱۹۶۰، سومین المپیک تختی بود و او تا آن زمان به پرافتخارترین ورزشکار ایران در المپیک بدل شده بود. در عین حال محبوب‌ترین بود و لایق‌ترین فرد برای حمل پرچم ایران در روز افتتاحیه. اما خودش نزد «جعفر سلماسی» (مربی تیم ملی وزنه‌برداری در آن سال) رفت و گفت: «شما بزرگ‌تر ما هستید. اولین مدال ایران در المپیک را شما آورده‌اید. این حق شماست که پرچم‌دار شوید!» و خودش به سایر ورزشکاران پیوست و پشت سر سلماسی رژه رفت.

قهرمانی با غذای نان و پنیر

یکی از دوستان تختی درباره سال‌های آغاز کار تختی در تیم ملی کشتی می‌گفت: «ما هنوز ۲۰ ساله نشده بودیم و تختی هنوز مدال افتخار نداشت. کشتی می‌گرفت و سخت امیدوار بود. اما من امیدی به آینده‌اش نداشتم. زیرا ظهرها می‌دیدم که یک نان سنگک زیر بغل گرفته و یک سیر پنیر لای کاغذ پیچیده به خانه می‌رود تا با مادرش ناهار بخورد. امروزه همه می‌دانند و علم هم می‌گوید که این غذای یک قهرمان نیست. اما من و علم نمی‌دانستیم که تختی غیر از یک قهرمان است... نمی‌دانستیم که می‌رود تا از کشوری دور دست برای ما افتخار بیاورد اما سرنوشت بدون دخالت ما جریان داشت و تختی پسر فقیر محله ما با نان و پنیر قرار بود به هلسینکی رفته و با مدال نقره بازگردد.»

یک سال بعد در ۱۹۵۲ تختی مدال نقره‌ای از هلسینکی فنلاند با خود آورد. این بار مدال نقره المپیک را.

آخرین مدال

مدال سال ۱۹۶۲ آخرین مدال تختی بود. پس از آن ورزش ایران در بازی‌های آسیایی آن سال شرکت نکرد. یک سال بعد هم تختی در مسابقات جهانی صوفیه (بلغارستان) غایب بود. با این حال نتوانست دور از کشتی بماند و برای المپیک ۱۹۶۴ توکیو به تیم ملی کشتی بازگشت. در ۳۴ سالگی تختی سه مسابقه خود را برد اما با یک باخت و یک تساوی در آخرین مسابقات خود به مقام چهارم المپیک دست پیدا کرد

